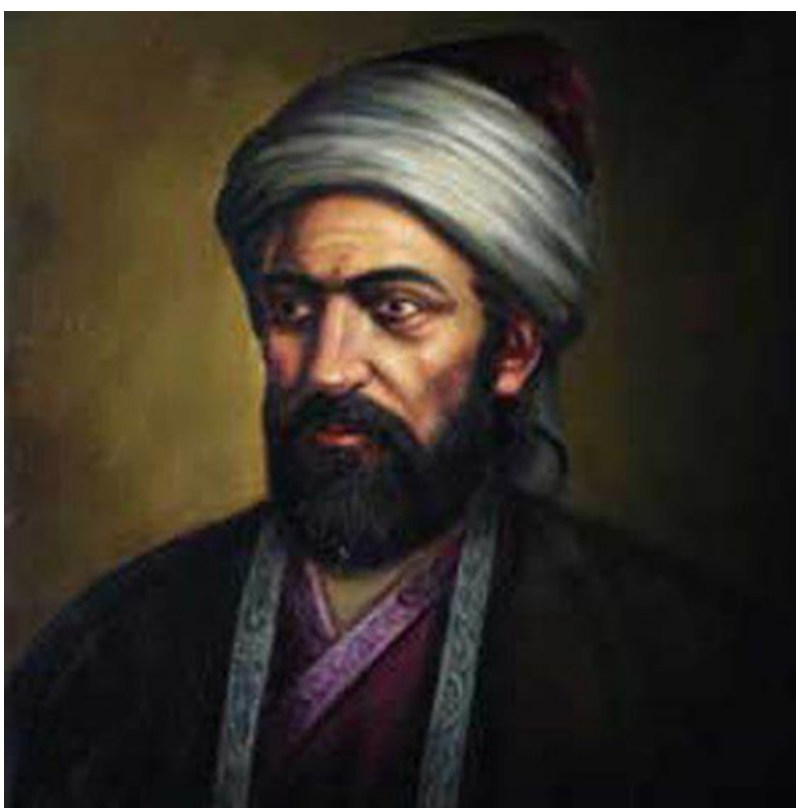


صائب تبریزی: غزل‌سرای سبک هندی و شاعری که عمق اندیشه را در کلمات بافته است

نویسنده: گروه تحریریه همداستان | تاریخ انتشار: 2026/06/05



شاعری که عمق اندیشه را در کلمات بافته است

صائب تبریزی، شاعر برجسته ایرانی قرن یازدهم هجری و از شاعران بزرگ سبک هندی است. وی در تبریز متولد شد و در همین شهر زندگی کرد. صائب با دقت و ظرافت خاصی در شعر، توانست زبان فارسی را به شیوه‌ای بدیع و پیچیده بیان کند. او به‌ویژه در غزل‌هایش از صنایع ادبی، استعاره‌ها، تشبیهات و ترکیبات بدیع بهره برد و مفاهیم عرفانی، اجتماعی و انسانی را به‌طور مؤثری در اشعارش گنجانده است.

شعرهای صائب تبریزی به دلیل عمق معنایی و قدرت تخیل، همواره در تاریخ ادب فارسی جایگاهی ویژه

دارند.

ای حسن پرده سوز تو برق نقابها
روی عرق فشان تو سیل حجابها

از نقطه های خال تو در هر نظاره ای
بیرون نوشته حرف شناسان کتابها

از انفعال روی تو گل های شوخ چشم
بر پیرهن فشانده مکرر گلابها

در رشته می کشند گهرهای آبدار
در موج خیز حسن تو دام سرابها

افکنده اند در جگر سنگ رخنه ها
از موج تازیانه حکم تو آبها

در مجلس شراب تو از شوق می زنند
پروانه وار سینه بر آتش کبابها

شادم ز پیچ و تاب محبت که می رسد
آخر به زلف، سلسله پیچ و تابها

از آه ما در انجمن حسن می پرد
چون نامه های روز قیامت نقابها

بیدار شو که در شب یلدای نیستی
در برده است چشم تو را طرفه خوابها

بیداری حیات شود منتهی به مرگ
آرامش است عاقبت اضطرابها

تسلیم شو، وگرنه برای سبکسران
تابیده اند از رگ گردن طنابها

صائب به این خوشم که مرا آزموده اند
شیرین لبان به باده تلخ عتابها

ما نقش دلپذیر ورق های ساده ایم
چون داغ لاله از جگر درد زاده ایم

با سینه گشاده در آماجگاه خاک
بی اضطراب همچو هدف ایستاده‌ایم

بر دوستان رفته چه افسوس می‌خوریم؟
با خود اگر قرار اقامت نداده‌ایم

چون غنچه در ریاض جهان، برگ عیش ما
اوراق هستیی است که بر باد داده‌ایم

ای زلف یار، این همه گردنکشی چرا؟
آخر تو هم فتاده و ما هم فتاده‌ایم

صائب زبان شکوه نداریم همچو خار
چون غنچه دست بر دل پر خون نهاده‌ایم